



یه رونه پلنگ، رورونه پلنگ، سه رونه یوزپلنگ!

یکی از مسئولان سازمان محیط زیست اعلام کرده به دلیل نبود دوربین، نمی توانند کشته شدن یوزها را پیگیری کنند. بعد از این خبر خوش هم اعلام شده برای ۱۸ هزار هکتار فقط یک محیط بان وجود دارد که یک ششم استاندارد جهانی است! خبر خوش آخر هم اینکه سگ های ولگرد در خراسان رضوی تهدیدی جدی برای یوز ایرانی هستند. رفته ایم سر وقت پرونده یوزها.

شورای حل اختلاف نباشیه

سگ های ولگرد و بی صاحب که عامل انتقال بیماری به انسان اند و به روز به روز بیشتر می شوند چون یک عده دل رحم گوگولی بهشان غذا می دهند و می گویند گور پدر چرخه طبیعی!

سگ ها هم حیوان اند. چشمشان که می خورد به یک یوز، گله ای بهش حمله می کنند. دست خودشان که نیست. پس این قدر پایتان را توی پنجه حیوانات نکنید. بگذارید این دو تا حیوان مثل آدم بنشینند مشکلاتشان را خودشان حل کنند!

هیاهوی بسیار

ببینید برای این دوسه قلاذه یوز چه قیل و قال راه انداخته اند! نه گوشتشان خوردنی است، نه شیر و پشم دارند. فقط یک پوست دارند. مقایسه کنید با گاوو گوسفند به آن مفیدی که این قدر هم لی لی به لالایشان نمی گذارند. معلوم نیست این دوسه الف یوز با کجازدوبند کرده اند که این قدر خاطر خواه دارند.

آقا بالا سر نخو استه

سهراب گفته: من در این آبادی پی چیزی می گردم. شاید فکر کنید آدم باید در هر آبادی دنبال چیزی بگردد، مثلاً گونه های در حال انقراض تا از شان محافظت کند. ولی شاعر در ادامه می گوید: پی خوابی شاید، پی نوری، ریگی، لبخندی. پس آدم بهتر است روی دامن مادر طبیعت چرت بزند و به ریگ کف بیابان هم بخندد. شاید مادر طبیعت دلش نخواهد کسی مواظبش باشد و آقا بالا سر داشته باشد.

اصلاً انسان هر جاد خالت کرده، خرابی به بار آورده. چه اهمیتی دارد که برای هر ۱۸ هزار هکتار زمین، فقط یک محیط بان وجود دارد؟

تحلیل هزینه-فایده

مظنه دستتان نیست! مگر دور بین چند غاز است که فله ای بخزند و توی جاده های بی آب و علف بگذارند؟

فنس کشی کنند؟ جاده به آن درازی را مگر می شود فنس کشید؟ بخشی از جاده؟ حیوان که شعور ندارد. عدل می رود آنجا که فنس تمام می شود، می پرد بیرون و خودش را می اندازد زیر یک چهار چرخ تا هم تیتیریک اخبار شود، هم دیه بگیرد، هم مسئولان را خراب کند. اصلاً باید معلوم شود این یوزها به کجا وصل هستند!

پول یا علف خرس؟

استخدام محیط بان کلی هزینه دارد. باتوم که دستشان نمی دهند! اسلحه واقعی باید برایشان بخزند، حقوق متناسب با سختی کارشان بگیرند، کلی لاستیک بهشان بدهند که کنار جاده آتش بزنند و... همه این ها هزینه دارد. الکی که نیست!

سوالات تسبیح

فرانک اشتاین

۱. مهم ترین راهکار مسئولان برای نگهداری از یوز ایرانی چیست؟

- ☐ نگهداری در پشت بام
- ☐ نصب تابلوی فیسری خطر وجود یوز
- ☐ جریمه یوزهای عبوری از جاده
- ☐ مگه یوزی هم مونده؟!

۲. دلیل تعداد پایین محیط بان در ایران در مقایسه با استاندارد جهانی کدام است؟

- ☐ امنیت جانی بالای محیط بانان
- ☐ تعداد بالای مدیران محیط زیست
- ☐ این استاندارد که می گی چی هست؟
- ☐ تکریم شعار «هر پلنگ یک محیط بان»

۳. کدام گزینه خطر بیشتری برای زندگی یوزها محسوب می شود؟

- ☐ نبود دوربین در جاده ها
- ☐ وجود سگ های ولگرد
- ☐ فنس کشی نشدن جاده ها
- ☐ ایده های خلاقانه مسئولان



صفحه ۴
۱۷ تیر ۱۴۰۲
شماره ۷۹

کارتون: محمدعلی رجبی

فرهنگ شهروندی

مانده چهارانی

خط خطی!



★ من باب خط عابر پیاده:

خطی است صاف، سپید و بی استفاده که در کوچه های بلاد و برای مراقبت از برخورد مراکب با پیاده ها طراحی شده است. گویند روزی جوانکی بی عار زیر درختی نشست بود و مشت میوه می لنباند که ناگه یکی از میوه ها با آن یکی که قل می خورد و بر سر جوی می رفت برخورد کرد. جوان ابتدا اهمیتی نداد اما وقتی به مرگ عمه پدرش که در اثر تصادف با

چار پارخ داده و مهم ترین ترومای کودکی او بود فکر کرد، به آن برخورد میوه ای بادی عمیق تری نگر بست. آنجا بود که شمععی در سر جوانک روشن شد و دست به طراحی یک محصول اسپشیاال زد. برای اجرای محصول، به کوچه پس کوچه های بلاد خویش رفت و در محلی که چار پان به وفور ر جال رازیر می گرفتند، چند پارچه سفید پهن کرد و قانون استفاده از طرحش را برای همگان

شرح داد. مردم بسی شاد گشتند و نخ و قیچی فراهم آوردند تا پروژه جدید شهر را که حالا به بهره برداری رسیده و قرار بود بر قیمت خانه های شان بیفزاید، کلید بزنند. طرح جوانک مزیت های بسیار داشت اما مشککش این بود که هرگز نمی شد به الاغ و اسب و گوسفند مفهوم ایستادن پشت خط را آموزش داد. برای همین، آمار تصادف ها نه تنها کمتر نشد که بیشتر هم شد زیرا اهالی بلاد به هوای ایستادن